

## سیری در محتوای طنزهای اخلاقی دوره‌ی انقلاب اسلامی ایران

علی نوذری\*

### چکیده

طنز به عنوان مردمی‌ترین و اجتماعی‌ترین گونه‌ی ادبی، در سه دهه‌ی نخست انقلاب اسلامی از نظر محتوا، گسترش یافته است. این نوع ادبی متناسب با رخدادهای سیاسی، دستخوش دگرگونی محتوایی شده است.

طنزهای مورد بررسی و تحلیل شده در این دوره، از میان مجموعه کتاب‌ها و مجلات طنز انتخاب گردیده است.

این مقاله، تلاشی است در زمینه تحلیل و بررسی محتوای طنزهای اخلاقی دوره‌ی انقلاب اسلامی طی سه دهه‌ی آغازین انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۸۷). نگارنده در این پژوهش، رویکردی تحلیلی به طنزهای مورد بحث داشته و به این نتیجه رسیده که در اغلب طنزهای اخلاقی، انتقادات سیاسی حضوری محوری داشته است؛ طوری که می‌توان گفت طنزهای اخلاقی این دوره، با سیاست عجین شده است.

**واژگان کلیدی:** طنز، طنزهای اخلاقی، انقلاب اسلامی.

### مقدمه

تاریخ، بیانگر این است که انقلاب‌ها نگاه و تلقی و به طور کلی، ایدئولوژی انسان‌ها را نسبت به خود، جامعه و جهان تغییر می‌دهند. یکی از نمودهای آن در هر جامعه‌ای، تاثیر انقلاب‌ها و

ali\_nozari@yahoo.com

\* کارشناس ارشد و دبیر زبان و ادبیات فارسی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۵



دگرگونی‌های سیاسی بر ساختار و محتوای ادبیات، فرهنگ و هنر یک ملت می‌باشد؛ زیرا که ادبیات، از تحولات سیاسی تبعیت می‌کند. طنز هم به عنوان یک گونه ادبی و هنری در ادوار مختلف تاریخ از رویدادهای سیاسی زمان خود تاثیر پذیرفته است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، همچون انقلاب مشروطه در رشد و دگرگونی طنز تاثیر بسیار داشته است. در واقع، طنز به عنوان مردمی‌ترین و اجتماعی‌ترین گونه‌های ادبی در سه دهه‌ی نخست انقلاب اسلامی، متناسب با تحولات سیاسی و فکری حرکتی پر فراز و نشیب را طی کرده است و به تناسب رخدادهای سیاسی و شکل‌بندی آرایش نیروهای اجتماعی و میزان آزادی‌های مدنی موجود در جامعه، دستخوش تغییر و تحول موضوعی و محتوایی شده است. یکی از دلایل گسترش و رواج طنز در جامعه، ورود آن به عرصه‌ی مطبوعات و انتقادات و چالش‌هایی بوده که در جامعه از سوی طنزپردازان عنوان شده است. از آن جا که در دوره مورد بحث، طنز به عنوان یکی از جذاب‌ترین و فراگیرترین نوشته‌ها ادبی برای مخاطبان و طنزپردازان بوده است، به بالاترین درجه‌ی نقد سیاسی و اجتماعی در جامعه تبدیل شده است؛ از این رو، طنز پس از انقلاب از نظر محتوا و موضوع، حرکتی گسترده و رو به جلو دارد و تقریباً، همه سطوح و لایه‌های جامعه را تحت پوشش خود داده است.

به دلایلی طنز در جامعه شکل گرفته و رونق می‌یابد که می‌توان به مسائل و موضوعات سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، مذهبی و فرهنگی اشاره کرد. در برخی موارد به دلایل گوناگون نمی‌توان به صراحت از ناهنجاری‌ها، کاستی‌ها، معایب و مشکلات جامعه انتقاد کرد. توضیح این که هرگاه به علت شرایط حاکمه؛ یعنی، فراهم نبودن امکان صراحت در بیان و ظرفیت انتقاد پذیری میان حاکمان و مسوولان، زبان و قلم از جدی گفتن باز می‌ماند، به شیوه طنز آمیز مصائب و مشکلات نابسامانی‌های جامعه بیان می‌گردد. هم چنین، ممکن است که مطلبی آن قدر فبیح باشد که پوشاندن آن بهتر از آشکار جلوه دادن آن باشد؛ از طرفی هم ادب و اخلاق، آداب و سنن، فرهنگ و قوانین اجتماعی چنین اجازه ای نمی‌دهد که مسایل و موضوعاتی که دارای قبح و زشتی است، به صورت آشکار و بی پرده بیان گردد. مواقعی هم در جامعه مشکلی وجود دارد که جهت توجه



بدان و رفع و اصلاح آن، بایستی به کمک ابزار طنز آن را برجسته ساخت؛ بنابراین، طنز به علت پوشیدگی و لحن و شیوه‌ی بیان آن، بهترین دستمایه برای انتقاد اجتماعی جهت اصلاح و سازندگی ناهنجاری‌ها، معایب، و مشکلات به کار گرفته می‌شود. تحلیل و بررسی محتوای طنزهای اخلاقی این دوره این نکته را برای ما روشن خواهد ساخت که چه مسائلی مورد توجه طنزپردازان و مردم بوده است تا با نشان دادن این مسائل اهل فن و صاحب نظران را برای برطرف کردن و اصلاح آن‌ها یاری دهیم؛ زیرا که این طنزها، مسائلی را به چالش می‌کشند که هنوز با زندگی روزمره‌ی مردم در پیوند است.

### طنزهای اخلاقی

یکی از زمینه‌هایی که از زمان‌های دیرین تا کنون در ادبیات فارسی، موضوعی برای طنزپردازی بوده و در آثار طنزپردازان انعکاس یافته، مسائل اخلاقی، بوده است؛ به عنوان مثال، انحرافات جنسی که عبید در آثار خود به تصویر می‌کشد، نمونه‌ای از آن است. هم‌چنین، ریاکاری و تظاهر، یکی دیگر از موضوعاتی بوده که مکرر، برای انتقاد از مسائل اخلاقی مورد طنز واقع شده است. حافظ شیرین سخن به زیبایی هرچه تمام‌تر، در این حوزه، گوی سبقت از دیگران ربوده و به طرز هنرمندانه‌ای جامعه متظاهر و ریاکار عصر خویش را نکوهش می‌کند. طنزهای اخلاقی، آن دسته از طنزهای این دوره را در برمی‌گیرد که مسائل غیر شرعی، نامتعارف و غیر اخلاقی موجود در جامعه را مورد هجمه و انتقاد قرار داده‌اند.

اینک، این مقاله به تحلیل و بررسی محتوای طنزهای اخلاقی این دوره می‌پردازد و می‌کوشد تا مشخص سازد که چه موضوعات غیر اخلاقی در طنزهای انقلاب اسلامی مورد انتقاد طنزپردازان قرار گرفته است؟ میزان و بسامد هر کدام چه میزان است؟ انتقاد محوری این گونه طنزها، چیست؟

### تظاهر

تظاهر و ریاکاری، یکی از موضوعات غیر اخلاقی است که در دین مبین اسلام بسیار مذمت شده است و یکی از راه‌هایی است که موجب باطل شدن عمل نیک فرد شمرده می‌شود. تظاهر، در



واقع انجام کارهای خوب و شایسته با وجهه دینی و مذهبی است؛ برای این که در انظار مردم و جامعه، مقبولیت، شهرت، جاه و موقعیت پیدا شود. در واقع، کسی که دست به تظاهر و ظاهر سازی می‌زند، از هر فرصتی چه انجام اعمال عبادی و چه اموری که در جامعه از نظر شرعی و عرفی ارزش تلقی می‌شود، استفاده ابزاری می‌کند تا به آن جایگاهی که می‌خواهد دست یابد. یکی از موضوعات غیر اخلاقی که مورد انتقاد طنزپردازان این دوره قرار گرفته و امروز هم در جامعه از آن برای سودجویی و دست یابی به مقامات و پست‌های مختلف بهره می‌گیرند، تظاهر و ظاهرسازی است. نمونه‌های طنز زیر، گویای آن است:

### حاجی حاجی مکه

فکر کن به اینکه انقلاب از قبال من چه قدر سود کرده است.

گیرم این که این حقیر

چیزهای انقلاب را دود کرده است

گیریم این که من...

گیریم این که من ... نه؟ تو

تو چه کار کرده‌ای؟

من هزار شام روزه بوده‌ام

جمعه یا سه شنبه من نماز جمعه خوانده‌ام

از زمان شاه من گرسنه مانده‌ام

راهیان جبهه‌های نور را

چهار قل دعا نموده فوت کرده‌ام

هر که پشت این نظام فحش داده، من سکوت کرده‌ام

سال‌های سال در شمال

نم نم غم جنوب بوده‌ام.

الفرض، خلاصه خوب بوده‌ام



جبهه و جهاد اگر که توی کارنامه‌ام نبود و نیست  
کار من هزار بار محترم‌تر است و بیست  
کار من جهاد اکبر است  
هم تظاهرات روز قدس جزو کارهای سال و ماه و  
هفته من است

هم مسائل شگفت انقلاب  
یادگار عمر رفته من است  
خانه‌ام پر است از تبرک هزار تا حرم  
لوح دستخط حضرت امام  
لوح «نون» و «القلم»  
شال سبز و قاب خالص از طلا

رفته‌ام به کربلا  
با هزار نیت قشنگ  
چند بار هم به جبهه‌ها  
-گرچه بعد جنگ -  
چفیه بسته‌ام سفید و هم سیاه  
بلکه راه راه

تا کسی نگویدم که گیج بوده‌ام  
یا که توی انقلاب، من هویج بوده‌ام  
یک دو بار هم در بسیج بوده‌ام  
جزء شست و پنج و حزب بیست و هفت را  
بیست بار حفظ کرده‌ام

(مهدی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۴)

مثال دیگر:



یکی را دیدم، در مجلسی نشسته و مباحثه در پیوسته، دهان به انتقاد گشاده و در پوستین دولتیان افتاده که اینان جماعتی به ظاهر درویشند و در باطن، صاحب ملک و ویلا در تخریشند! (صلاحی، ۶۵:۱۳۷۷)

مثال دیگر:

در مسجدی موذن پیری مقیم بود  
چندان قوی نظر که امام جماعتش  
وارسته بود و علقه دنیا نه در دلش  
عمری نمود تجربه و دید مردمان  
خواهند تا که که در صف اول مقرر کنند  
زین شیوه بود بس متعجب کمی ملول  
در هر صفی مقیم شود بنده با خلوص  
یک روز عاقبت متوسل به چاره ای  
بگریختند از صف اول به سوی در  
دانی چه کرد؟ کرد بدل با حضور ذهن

همچون بلال، صاحب نیکوترین صفات  
می خواند بی مبالغه، حلال مشکلات  
پیوسته فکر آخرت و لحظه ممات  
از هر قماش و دسته، به هر سنی از حیات  
وقتی که می رسید به «حی علی الصلوا»  
کز بهر چیست سبقت بی جای این ذوات؟  
البته می پذیرد از او رب کائنات  
گردید تا محک زند آن جمع با ثبات  
از ماذنه<sup>(۱)</sup> چو داد ندا پیر خوش نیت  
«حی علی الصلوا» به «حی علی الزکوه»  
(خوش عمل، ۱۳۷۳: ۶۴)

### روابط نامشروع

منظور از روابط نامشروع در طنزهای اخلاقی، روابط میان دختر و پسر نامحرم یا زن و مرد نامحرم است که از این طریق، به اعمال غیر اخلاقی دست می زنند و این گونه زمینه فساد و بی بند و باری اخلاقی را در جامعه گسترش می دهند. این نوع رفتارها، خود عاملی می شوند تا روابط خانوادگی یا اصلاً شکل نگیرد و یا اگر شکل بگیرد، بسیار سست و بی دوام باشد. از جمله وسایلی که زمینه این روابط نامشروع را بیش از پیش گسترش داده، می توان به سایت های مستهجن اینترنتی و مجازی و تلفن های همراه اشاره کرد؛ مانند:

اگر نان باشد و املت نباشد اگر چت<sup>(۲)</sup> باشد آدم چت نباشد



جهان جایی برای زندگی نیست      اگر لیلیا و اینترنت نباشد  
(فیض، ۱۳۸۸: ۱۳۶)

مثال دیگر:

در این زمانه نه افسون زن به کار آید      گذشت دوره اف و رسیده دوره تف  
لجن لجن وب و وبلاگ و سایت مستهجن      خودت چرا؟ به تماشا نشسته ای؟ این‌ها  
اگر به سایت سیاسی بی پدر و مادر      در آسمان سیاه کسالت مردم  
در این کویر کسالت کلیپ<sup>(۴)</sup> ناموسی      در این زمانه که تکلیف ما روشن نیست  
ببار و آتش این قوم را فزون تر کن      غروب زهره معصوم ماهتاب شماست  
(موسوی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)

در این طنز، طنزپرداز با به کارگیری واژه‌هایی مانند «وب»؛ یعنی فضای مجازی اینترنت، «وبلاگ»؛  
سایت شخصی اینترنتی، «سایت مستهجن»؛ یعنی پایگاه‌های اینترنتی که تصاویر بسیار زشت و  
عریان جنسی از اشخاص گوناگون به نمایش می‌گذارند، «بلوتوس»؛ یعنی فناوری برقراری ارتباط  
بی سیم میان تلفن همراه و رایانه‌ها که از طریق آن پیام‌ها میان اشخاص رد و بدل می‌شود و هم  
چنین «کلیپ ناموسی»؛ یعنی تلفیق موسیقی با تصویرهای بسیار زننده و محرک مثل رقص‌های  
بدون پوشش و موسیقی‌های مبتذل، را دستمایه سخن خویش قرار داده و منظورش این بوده که از  
آن دسته از افرادی که از اینترنت و تلفن‌های همراه جهت اعمال سوء اخلاقی استفاده می‌کنند، به  
شدت انتقاد کند؛ مانند:

می‌شود اوقات من مصروف درس بچه‌ها

با نظارت در دروس بیژن و مینا خوشم



گه بدین املا گویم گه بدان انشاء دهم  
هم بدین املاء شادم، هم بدان انشاء خوشم  
بچه‌ها را غالباً با خود به دریا می‌برم  
با تماشای شنای خلق در دریا خوشم  
هم به آجیلی که بهرم می‌فرستی گاهگاه  
هم به چک‌هایی که بهرم می‌کنی امضاء خوشم  
می‌روم شب در تماشاخانه یا در سینما  
روزها اغلب گرفتارم ولی شب‌ها خوشم  
شوهر خوش مشرب در جواب وی نوشت  
«من هم ای محبوب، در این گوشه‌ی دنیا خوشم»  
هر که تنها مانده است از دلبر خود، ناخوش است  
من نمی‌دانم چرا تا مانده‌ام تنها خوشم  
دوری روی تو بهرم در حقیقت نعمتی است  
زین که هر ساعت ندارم با تو همی دعوا خوشم  
بهر من تنها خیال دیدن رویت بس است  
می‌کنم یاد از تو و در عالم رویا خوشم  
عاشقت هستم ولی نالان ز هجرت نیستم  
من چو آن مجنون خرسندم که بی لیلا خوشم  
همسرش بنوشت در پاسخ که مکتوبت رسید  
حرف‌های نیشدارت کرد بالکل ناخوشم  
لیک می‌دانم چرا آن جا تو در تهران خوشی  
خود بدان علت که من این جا در آمریکا خوشم





گر تو در تهران نهانی با فلان خانم خوشی

من همین جا آشکارا با فلان آقا خوشم

(حالت، ۱۳۷۳: ۸۷)

### تبرج

تبرج، در لغت، به معنای زیور به خود بستن، خود آرایی (انوری، ۱۳۸۸: ۵۶۲)؛ همچنین، به معنی این که زنی زیبایی خود را برای مردان آشکار سازد. به طور کلی، هر وسیله ای که به قصد خود آرایی بسته شود و توجه دیگران را برانگیزاند، تبرج گفته می شود. تبرج و آرایش ها بسیار زننده و جلب توجه کننده، یکی از نمونه هایی است که در طنزهای اخلاقی مربوط به زنان حضوری پر رنگ و گسترده دارد.

آن چه در میان وسایل آرایشی بیش از همه مورد استفاده خانم ها قرار گرفته است، کرم های مختلف و گوناگونی است که برای خود آرایی به کار می گیرند. همچنین، رنگ موها از دیگر آراینده هایی است که توسط زنان و دختران مورد استفاده قرار گرفته است. متأسفانه، این عامل تحریک کننده، موجب جلب توجه مردها شده و زمینه برای سوء استفاده از خانم ها و به تدریج سردی روابط زن و شوهر و از هم پاشیده شدن شیرازه و کانون خانواده ها گشته است؛ مانند:

وای اگر خانم بخواد هوای آرایش کنه

هوس میزامپیلی<sup>(۵)</sup> کنه یا مو شو مش کنه

صورتو بتونه<sup>(۶)</sup> و نقاشی روی چشم کنه

یکی نیس اون ریلمو<sup>(۷)</sup> و دراره، تو چشمش کنه

(مهدی نژاد، ۱۳۸۸: ۹۴)

مثال دیگر:

که قدم می زنی مثل عروس

به به ای خانم قشنگ و ملوس

کرده ای یک دو ساعت میک آپ<sup>(۸)</sup>

ای که در پیش آینه با تاپ

ریمبل و سایه و رژ و پن کک<sup>(۹)</sup>

روی اجزای صورتت یک یک



شده ای - چشم خواهری - خوشکل  
می‌شود بند عفت از این ناز  
نگو اصلاً که «ذاتاً این مدلم»  
من که این قدر خویشتندارم  
که اگر موجبات ننگی تو  
خواهرم تو این بریز و پیش  
پیش خود فکر کن که مرد غریب  
از لبش آب راه می‌افتد  
من خودم بی خیال دنیا شدم  
مشکل از سوی جوجه کفترهاست  
که به یک جلوه زن از مریخ  
رشته را می‌کنند هی پینه  
ما که داریم خانه ای دربست  
غالباً عصرها همان جاییم  
الغرض این از این ... همین دیگر

می‌بری از بزرگ و کوچک دل  
چون کمر بند سبز تهران باز  
خودم این کاره ام عزیز دلم  
باز دیوانه می‌شوم دارم  
پس چرا این قدر قشنگی تو؟  
تا حدودی به فکر ما هم باش  
گر ببیند تو را به این ترتیب  
طفلکی در گناه می‌افتد  
نه که منظور من خودم باشم  
غصه ام معضل جوان ترهاست  
خل و دیوانه می‌شوند از بیخ  
بس که ناواردند و بی جنبه  
تازه ویلای دوستان هم هست  
هفته‌ای یک دو روز تنها ایم  
روسری را جلو بکش خواهر

(پیشین، ۱۲۹: ۱۳۰)

تبعات ناشی از آرایش زننده‌ی زنان در این طنز، مورد چالش قرار گرفته است. از نظر طنزپرداز، شدت آرایش زنان طوری بوده که حتی افراد پرهیزگار و خویشان دار را هم تحت تأثیر خود قرار داده است.

### رشوه‌خواری

یکی از بلاهای بزرگ جامعه که از قدیمی‌ترین روزگاران دامنگیر بشر بوده و هست و امروز هم کماکان ادامه دارد، معضل رشوه‌خواری است. رشوه و رشوه‌خواری، از مهم‌ترین موانع اجرای



عدالت اجتماعی در جامعه می‌باشد. رشوه خواری، همواره، قانون را خدشه دار کرده و منافع و حقوق طبقات ضعیف را نابود نموده است و به سوی طبقات مرفه جریان سازی می‌کند. دین اسلام نیز رشوه خواری را محکوم کرده و رشوه دهنده و رشوه گیرنده هر دو را از اهل دوزخ شمرده است. «الراشی و المرثشی کلاهما فی النار» (ری شهری، ۱۳۶۲: ۱۲۶)

این معضل نیز از دید طنزپردازان و طنزهای دوره‌ی انقلاب اسلامی، برکنار نمانده است. در طنزهایی که در این راستا گفته شده اند، در خصوص نحوه چگونگی پاسخگویی کارمندان به ارباب رجوع و حتی در زمینه جرایم افرادی که به طور قطع از نظر قانونی و حقوقی مجرم و محکوم شناخته می‌شوند؛ اما متاسفانه، در مراجع قضایی و قانونی مانند دادگستری با دادن رشوه، جرم آن‌ها را نادیده گرفته و به سادگی از کنار آن درمی‌گذرند؛ رشوه خواری نفوذ یافته و نقش پررنگی داشته است؛ مانند:

آدم آلات و فرومایه در این شهر خوش است	آدم با هنر از غصه ملول و پکره
لائی و بی هنری مایه عیش است ولی	دانش و علم و ادب مایه بیم و خطر
از چه چاقو نکشد پهلوی مردم ندرد	تارها نمانده او رشوه بیدادگره
مال مردم بخورد سینه مردم بدرد	هر که در کشور ما پارتیش معتبره
هر کسی دزد تره ثروت او بیش تره	وضع هر کس که کمی پاک تره خیط تره
گفت در دادسرا مردک مظلوم خری	که در این دادسرا داد زدن بی ثمره

(حسامی محولائی، ۱۳۷۸: ۱۲۶)

در این طنز لبه تیز انتقاد طنزپرداز متوجه افرادی است که با رشوه دادن و پارتی بازی کردن باعث می‌شوند که برخی از افراد شرور و سارق که از مردم اخاذی، باجگیری و سرقت می‌کنند، به راحتی از بند قانون آزاد و رها شوند و با جرأت و جسارت بیش تری نسبت به قتل و غارت، جرم و جنایت و دزدی در جامعه دست بزنند. لازم به ذکر است که این عامل خود نه تنها در کاهش ناهنجاری‌ها و جرم و جنایت و سرقت چارساز نبوده است؛ بلکه باعث تشدید بزهکاری‌های درون جامعه هم شده است؛ مانند:



### دلگرمی

«محمود نیازی» (رئیس سازمان بازرسی کشور) گفت: «رشوه در نظام اداری ایران وجود دارد اما در مقایسه با باقی کشورها، دستگاه‌های اداری ما از سلامت خوبی برخوردارند». با خواندن این خبر اگر زبانم لال، روزی کسی مجبور شد، برای این که کارش در اداره ای راه بیفتد، به کسی رشوه بدهد، خیالش راحت است که اولاً، تعداد این جور آدم‌ها در اداره‌های دولتی از تعداد انگشتان دست (و نهایتاً دست و پا) فراتر نمی‌رود و ثانیاً اگر در کشور دیگری زندگی می‌کرد، باید چندین برابر این مبلغ را برای انجام کار مشابهی در اداره ای مشابه می‌پرداخت! (صابری فومنی، ۱۳۸۴: ۱۸)

مثال دیگر:

### زیر میزی

«یکی از بزرگان اهل تمیز» همان میز، کاو زیر آن خفته بود چو نور سحرگاه شب را شکست شد آغاز کارش به خمیازه ای به ناگه یکی مرد برگشته بخت که ده روز کارم معطل شده یکی مهر و امضا به پرونده ام بیفکند بر ابروی خویش، چنین به جان تو، حالم سر جاش نیست و جوهر کنون توی خودکار نیست دو دندان شیریم افتاده است صدایی به ناگه پیامد: دلنگ

شبی از قضا خفت در زیر میز به یک شرکت شسته و رفته بود رئیس همان میز پشتش نشست دهان باز شد، همچو دروازه ای ز در داخل آمد، بنالید سخت و آسایش بنده مختل شده بسزن، نوکرم، چاکرم، بنده ام جناب رئیس و بگفت این چنین پریشم، خیالم سر جاش نیست به غیر از قلم هم که ابزار نیست بین مساله کاملاً ساده است. بیفتاد دوزاریش بی درنگ



خدا داند و بس، چه شد زیر میز  
 بگفت آن رئیس پر از فیس و ناز  
 ببخشد قربان که تاخیر شد  
 از این پس اگر کارتان گیر کرد  
 پدر جان، خود بنده در خدمتم  
 همان مرد نیکوی اهل تمیز  
 حکایت نماید برای شما  
 نخواهید هرگز شما زیر میز  
 روابط یهو! گشت خیلی تمیز<sup>(۱۰)</sup>  
 به آهنگ پر مهر و بس دلنواز  
 کمی مهر پرونده تان دیر شد  
 همین گونه باید که تدبیر کرد  
 فدای تو، مستخدم شرکتم!  
 که بد شاهد ماجرا زیر میز  
 از آغاز تا آخر ماجرا  
 خبرها بود زیر میزای عزیز!

(کریمی فام، ۱۳۷۸: ۱۰۳-۱۰۴)

آنچه در این طنز مورد انتقاد و چالش قرار گرفته، معضل زیرمیزی است که با پرداخت آن در برخی ادارات، مشکلات برخی از افراد را راه می‌اندازد و باعث ضایع شدن حقوق دیگر افراد می‌گردد. رشوه دادن، چنان تأثیری بر افراد رشوه گیرنده در ادارات می‌گذارد که بی‌درنگ اخلاق و رفتار و نحوه عملکردشان نسبت به ارباب رجوع عوض می‌گردد.

### احتکار و گران‌فروشی

احتکار، در لغت، به معنای حبس و جمع کردن هر چیزی است؛ چه خوراکی باشد مثل گندم، برنج، قند و روغن، دارو و چه غیر خوراکی مثل لوازم ضروری وسایل نقلیه و دستگاه‌های کارخانه‌ها و ... این جمع کردن اگر به انگیزه گران‌تر شدن کالا و بدست آوردن سود بیش‌تر هم نباشد و تنها برای مصرف سال آینده منزل هم باشد، باز احتکار صدق می‌کند. (آذری قمی، ۱۳۷۳: ۹)

هدف از احتکار، انبار کردن طعام و خوراک و مایحتاج مردم به قصد گران‌تر شدن آن‌هاست. در روایات اسلامی قید و شرط‌های ذکر شده که در آن‌ها احتکار حرام و متحکر ملعون و مستحق عقوبت و تعزیر دانسته شده است.

در طنزهای که در خصوص محتکران و گران‌فروشان بیان شده، از پول پرستی، مادی‌گرایی، زراندوزی، حقه‌بازی، بی‌وجدانی و بی‌انصافی آنان انتقاد شده است؛ مانند:



لیلی پدرش مغازه دار است  
فکرش همه پول باشد و پول  
این صاحب ملک و گنج قارون  
ای داد از این گران فروشان  
یک دانه جو شرف ندارند  
لیلی پدرش از این قماش است  
اهل کلک است و احتکار است  
از آدمیت شده است معزول  
از مشتریان همی مکد خون  
محکوم به دادگاه وجدان  
یک ذره ادب به کف ندارند  
دائم پی پول در تلاش است  
(انصاری، ۱۳۸۶: ۱۹)

مثال دیگر:

«دل می رود ز دستم صاحب دلان خدا را»<sup>(۱۱)</sup>  
دارم فغان و ناله من از گران فروشان  
یک بار نه که صدبار در گوشه‌های انبار  
آمد ز در طلبکار قایم کنید ما را  
کردند جمله غارت هم ما و هم شما را  
آذوقه من و تو کردند احتکارا  
(خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۲۴)

شعر طنز آمیز زیر به صورت انتقادی، حال محکوترانی را که پس از جنگ ایران و عراق دیگر قدرت احتکار و گران فروشی از آن‌ها سلب شده بود، را به زیبایی به تصویر کشیده است:

محتکر چون جنگ ایران یافت پایان سکنه کرد

دید چون اجناس خواهد شد فراوان سکنه کرد

آن که جنس خویش را هر دم گران تر می فروخت

چون شنید ارزاق خواهد گشت ارزان سکنه کرد

در زمان جنگ خون هر مسلمان می مکید

چون که صلح آغاز شد آن نامسلمان سکنه کرد

آن که انصافاً جز به پول ایمان نداشت

خود همان ساعت که دم می زد زایمان سکنه کرد



چشم شیطان گر به جای اشک خون بارد رواست  
چون یکی از پیروان خاص شیطان سکنه کرد  
مرتضی خان گفت: دیگر جنگ پایان یافته است  
تا که او این حرف را زد، مصطفی خان سکنه کرد  
چون خریداران خود را ناگهان از دست داد  
آن چنان افسرده شد کز داغ ایشان سکنه کرد  
چون بدو گفتند نان وی به کل آجر شده  
در سر ناهار ضمن خوردن نان سکنه کرد  
(حالت، ۱۳۷۲: ۳۰)

یکی از حوادثی که زمینه ای را برای انبار کردن آذوقه مردم توسط محتکران و گران فروشان و ظهور و بروز پدیده گران فروشی در ایران در اوایل سال‌های انقلاب به وجود آورده بود، دوران جنگ عراق و ایران بود. طنز فوق با تشریح این موضوع که پس از پایان یافتن جنگ دیگر این گونه افراد بهانه و زمینه ای برای اعمال فشار بر مردم در اختیار نداشتند و عملاً بازار آن‌ها کساد و ساقط شده بود، به زیبایی، از این طبقه جامعه انتقاد کرده است.

مثال دیگر:

### من کیستم؟

گل فشردن مستضعفان بود کارم	گلو بی‌اور و بگذار تا که بفشارم
رسالتی است مرا همچو دیگران بر دوش	در این زمانه چه شیرین حکایتی دارم
امان خلق بریدم یکی نگفت ولی	که بنده بد عملم، خائتم، خطاکارم
نه انتقاد، نه نفرین، نه ناسزا، نه کتک	ز بنده کم نکنند رو چنان که مقدارم
فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر	منم که حرف نو قرن‌ها و اعصارم
رضا به داده من باش ای فقیر ضعیف	دمارت ار نه از این بیش تر برون آرم
وکیل و گنده تر از آن، وزیر و مهتر او	رئیس و هم اهم از وی، منم که سالارم



شوی چو خواهی آگه ز نام این جانب      نگاه مختصری کن به طرز اشعارم  
حروف اول مصراع‌های اول شعر      اگر ردیف کنی، هست نام پربارم  
(پیشین: ۱۱۰)

طنزپرداز ضمن انتقاد از پدیده‌ی گران فروشی، از عدم واکنش و عکس‌العمل بازرسان و مسؤولان جامعه نسبت به آن، به صراحت، انتقاد کرده است. او همچنین یادآور می‌شود که انتقاد و برخورد، جلوی پیش روی گران فروشی را نتوانسته بگیرد. طنزپرداز با بیان تمثیل اسکندر، خواسته تبعات و اثرات ناشی از گران فروشی را همپای ویرانگری گردنکشان تاریخ بداند.

### نتیجه‌گیری

- انتقاد محوری موجود در طنزهای اخلاقی، عمدتاً، با انتقادات سیاسی نسبت به سیاست‌های مسوولان عجین شده است.
- مسائل غیر اخلاقی که طنزهای دوره انقلاب اسلامی بدان پرداخته اند، از بیش‌ترین میزان به کم‌ترین میزان، عبارت بودند از: رشوه خواری، احتکار و گران فروشی، تظاهر، روابط نامشروع و تبرج.
- رشوه خواری، احتکار و گران فروشی و تظاهر بیش‌ترین بسامد انتقادات اخلاقی بودند. کمترین موضوعات مورد طنز قرار گرفته اخلاقی، تبرج و روابط نامشروع بوده است.
- دغدغه‌ی اصلی طنزپردازان بر انتقاد به قصد اصلاح امور غیر اخلاقی بوده است.
- از نظر طنزپردازان، اینترنت و تلفن همراه دو وسیله ارتباطی نقش آفرین و مؤثر در شکل‌گیری و ترویج مسایل غیر اخلاقی بوده است.
- از دید طنز پردازان، به تبع توسعه‌ی فناوری و گسترش ارتباطات به وجود آمده در جامعه، روابط نامشروع، به شکل پیشرفته و پیچیده تر؛ یعنی، استفاده از سایت‌های اینترنتی هرزه و استفاده‌ی نابجا از تلفن همراه در جریان بوده است.

### پی‌نوشت‌ها





- (۱) «مأذنه»: مکان اذان گفتن، گلدسته مسجد.
- (۲) «چت»: گفت و گوی اینترنتی میان دو یا چند کاربر که به صورت تایپ کلمات و جملات می‌باشند. (انوری، ۱۳۹۰: ۲۱۴)
- (۳) «بلوتوث»: فناوری برقراری ارتباط بی سیم میان دستگاه‌های الکترونیکی مانند تلفن همراه و رایانه‌های دیگر. (انوری، ۱۳۸۹: ۱۱۱)
- (۴) «کلیپ»: بخشی کوتاه و خلاصه‌ای از یک فیلم و نوار ویدئویی، نماهنگ، تلفیق موسیقی با تصویر. (انوری، ۱۳۸۳: ۹۶۹)
- (۵) «میزامیلی»: آرایش و حالت دادن موی سر. (انوری، ۱۳۸۳: ۲۱۶) «مش»: نوعی آرایش مو که در آن بخش‌هایی از مو را به رنگ دیگری مانند طلایی یا نقره‌ای درمی‌آورند. (پیشین: ۱۱۴۷)
- (۶) «بتونه»: پودر آرایشی که به گونه‌ای افراطی و بیش از حد معمول به صورت مالیده باشد. (انوری، ۱۳۸۳: ۱۴۵)
- (۷) «ریمل»: ماده‌ای یا وسیله‌ای که با آن مژه‌ها را آرایش می‌کنند. (پیشین: ۶۲۵) «پن کک»: از لوازم آرایشی مخصوص صورت که به شکل پودر فشرده است. (پیشین: ۲۵۲)
- (۸) «میک آپ»: آرایش صورت با مواد آرایشی. (انوری، ۱۳۸۳: ۲۱۷)
- (۹) «پن کک»: از لوازم آرایش مخصوص صورت که بصورت پودر فشرده است. (پیشین: ۶۲۵)
- (۱۰) «بهبو»: یک مرتبه، یکبار این واژه در زبان عامیانه مردم فارس متداول است.
- (۱۱) مصراع‌ی است از این مطلع غزل حافظ: «دل می‌رود ز دستم صاحب دلان خدا را / دردا که راز پنهان خواهد شد آشکارا»

### منابع و مآخذ

- آذری قمی، احمد، (۱۳۷۳)، احتکار و گران‌فروشی. چاپ اول، [بی‌جا]: انتشارات مکتبیه ولایت فقیه
- انصاری، حسن، (۱۳۸۶)، مطبوعاتی‌های نامطبوع من. (مجموعه شعر طنز). چاپ اول، بوشهر: انتشارات شروع.
- انوری، حسن و دیگران، (۱۳۸۳)، فرهنگ کنایات سخن. تهران: انتشارات سخن



- .....، (۱۳۸۹)، فرهنگ روز سخن. چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن.
- .....، (۱۳۹۰)، ذیل فرهنگ بزرگ سخن. چاپ اول، تهران: انتشارات سخن
- حالت، ابوالقاسم، (۱۳۷۳)، بچه‌ها برق آمده. چاپ اول [بی جا]: انتشارات سنایی.
- حسامی محولاتی، محمد حسن، (۱۳۷۸)، رنگین کمان طنز. چاپ اول، قم: نشر.
- خرماشاهی، محمد، (۱۳۷۶)، طنزهای میلاد ۳. چاپ اول، [بی جا]: انتشارات کیهان.
- خوش عمل، عباس، (۱۳۷۲)، پانتوری (مجموعه اشعار طنز). چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ری شهری، محمد، (۱۳۶۲)، میزان الحکمه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلام
- صابری فومنی، کیومر، (۱۳۸۴)، سال نامه گل آقا. سال پانزدهم. شماره هفتم. تهران: گل آقا.
- صلاحی عمران و بیژن اسدی پور، (۱۳۷۷)، طنزآوران امروز ایران. چاپ هشتم، تهران: انتشارات مروارید.
- فیض، ناصر، (۱۳۸۸)، املت دسته دار (مجموعه شعر طنز). چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره.
- کریمی فام، صمد، (۱۳۷۸)، طنزپردازان فارس. چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
- موسوی، عبدالجواد، (۱۳۸۴)، کتاب طنز ۱. چاپ اول، تهران: انتشارات سوره مهر.
- مهدی نژاد، امید، (۱۳۸۸)، یک بغل کاکتوس (صد شعر طنز). چاپ اول، مشهد: نشر سپیده باوران.